

بررسی اصل صلاحیت بر تعیین صلاحیت در داوری در حقوق ایران

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال ششم)
شماره ۲۰ / تابستان ۱۳۹۹ / ص ۶۹-۶۱

مأده چینی ساز^۱

^۱ دانشجوی دکترای حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

نویسنده مسئول:

مأده چینی ساز

چکیده

اصل استقلال شرط داوری به داوران صلاحیت اظهارنظر راجع به موضوعات قابل داوری، اعطا می‌کند. اصل «صلاحیت بر صلاحیت» که با اصل استقلال شرط داوری حمایت می‌شود به مرجع داوری اختیار می‌دهد تا نسبت به ایراد به صلاحیت داور ناشی از اعتبار و قلمرو موافقتنامه داوری اظهارنظر کند. در این تحقیق، پس از تبیین مفهوم اصل صلاحیت بر صلاحیت، جایگاه آن را در حقوق ایران بررسی می‌کنیم. در حقوق ایران ماده ۱ بند ۱۶ قانون داوری تجاری بین المللی ایران ضمن پذیرش اصل استقلال شرط داوری مقرر داشته که داور می‌تواند در مورد صلاحیت خود و همچنین درباره وجود و یا اعتبار موافقتنامه داوری اتخاذ تصمیم کند. در داوری داخلی ماده ۴۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی رفع اختلاف راجع به اصل معامله یا قرارداد راجع به داوری را در صلاحیت دادگاه دانسته است. در خصوص امکان استناد به ظاهر ماده مزبور اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند ماده مزبور صرفاً اظهارنظر نسبت به اصل «معامله» یا «قرارداد راجع به داوری» را در صلاحیت دادگاه دانسته حال آنکه ایراد به صلاحیت داور و داوری پذیری، موضوع ایراد به اصل قرارداد داوری محسوب نمی‌شود. گرچه اجماع حقوقدانان داخلی مؤید امکان اظهارنظر داوران نسبت به صلاحیت خود است، اما در این خصوص راه حلی جامع در رد ظاهر ماده ۴۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی ارائه نشده است.

کلیدواژه‌ها: شرط داوری، داوری پذیری، صلاحیت.

مقدمه

قاعده صلاحیت در تعیین صلاحیت یک اصل شناخته شده در داورى تجارى بين المللى مى باشد که یک تأسیس تازه مى باشد که در مقررات داورى آئين دادرسی مدنى ایران قبلاً این قاعده نبوده است و در قانون داورى جدید ملهم از قانون نمونه آنستیرال در سال ۱۳۷۶ تصویب شده است. مطابق مفهوم این اصل، قاضی یا داور صالح است نسبت به صلاحیت یا عدم صلاحیت خود و نیز قلمرو صلاحیت خود تصمیم بگیرد.^۱

این اصل در اسناد بین المللی و قوانین ملی مرتبط با داورى بین المللی به عنوان یک اصل جهانی مورد پذیرش قرار گرفته است. قاعده خود صلاحیتی که منتسب به آلمانی ها مى باشد به تدریج توسعه یافته و در قوانین داورى تجارى بین المللی بسیاری از کشورها راه یافته است و در حقوق داورى تجارى ایران نیز با عنوان اصل «صلاحیت بر صلاحیت»، «صلاحیت در تعیین صلاحیت» و «اختیار نسبت به صلاحیت» ترجمه شده است.^۲ عبارت صلاحیت در لغت به معنای شایستگی، اهلیت و سزاوارى است و در اصطلاح حقوقی اختیاری است که قانون به دادگاهی مى دهد که به موجب آن به دعوایی رسیدگی می کند بنابراین دادگاهها نسبت به دعوایی که قانون اختیار رسیدگی به آنها را داده، صلاحیت دارند. البته اختیار مزبور را قانون به موجب حکم خاص به غیر دادگاههای عمومی نیز می دهد. مطابق ماده ۱۰ ق.آ.د.م. رسیدگی نخستین به دعوای، حسب موارد در صلاحیت دادگاههای عمومی و انقلاب است مگر در مواردی که قانون مرجع دیگری را تعیین کرده باشد. در عبارت صلاحیت بر صلاحیت دو اصطلاح وجود دارد که به نظر می رسد: صلاحیت اول در قاعده به معنای اختیار و اقتداری است که مرجع داورى به موجب قانون می تواند در خصوص صلاحیتی (عبارت دوم اصل) که به وی تفویض شده است، اتخاذ تصمیم نماید. در بند یک ماده ۱۶ قانون داورى تجارى ایران این گونه آمده است که «داور می تواند در مورد صلاحیت خود و همچنین وجود و یا عدم وجود و یا اعتبار موافقت نامه داورى اتخاذ تصمیم کند». به این ترتیب نه تنها داور در رابطه با وسعت و قلمرو صلاحیت و مأموریت خود، مثلاً در فرض جرح وی یا ادعای خروج وی از اختیارات تفویضی اتخاذ تصمیم خواهد کرد، بلکه حق دارد در خصوص قرارداد داورى در فرض ایراد یکی از اصحاب دعوا و حتی بالاتر از آن اساساً در رابطه با وجود یا عدم وجود قرارداد مزبور اظهارنظر و اتخاذ تصمیم نماید. در هر صورت، داورى پذیرى، موضوعی مرتبط با صلاحیت مرجع داورى در رسیدگی به آن موضوع خاص است.^۳ لذا در حقوق کشورهای مختلف این سؤال مطرح می شود که آیا مرجع داورى صلاحیت تعیین صلاحیت خود را دارد یا این امر در صلاحیت مرجع قضایی می باشد؟ اختیار مرجع داورى در تعیین صلاحیت خود یا در تعیین قابلیت داورى یک موضوع ناشی از طبیعت موافق نامه داورى بوده و توسط اصل استقلال شرط داورى نیز حمایت می شود. در این تحقیق، پس از تبیین مفهوم اصل صلاحیت بر صلاحیت، جایگاه آن را در حقوق ایران بررسی می کنیم.

مفهوم و کارکرد اصل صلاحیت بر صلاحیت^۴

یکی از موضوعات مطرح در داورى پذیرى دعوای و تعیین مبانی آن، پاسخ به سؤال در خصوص مرجع صالح جهت تعیین قلمرو موافقتنامه داورى یا صلاحیت داوران نسبت به موضوع مورد اختلاف می باشد. اصل صلاحیت بر صلاحیت یا تعیین صلاحیت یا استقلال در اعلام صلاحیت داور به مرجع داورى اختیار می دهد تا نسبت به ایراد به صلاحیت داور ناشی از اعتبار و قلمرو موافقتنامه داورى اظهارنظر کند. این اصل دارای دو کارکرد مثبت و منفی است. کارکرد مثبت این اصل منجر به اعطای صلاحیت به مرجع داورى در تعیین صلاحیت خود می شود. کارکرد منفی این اصل، صلاحیت دادگاه در بررسی و تعیین صلاحیت مرجع داورى را به زمان رسیدگی به تنفیذ و ابطال رأی داورى محدود می کند. لذا دادگاه نمی تواند در زمان داورى، نسبت به صلاحیت داوران و داورى پذیرى قرارداد یا موضوع ورود کند. در این خصوص مرجع داورى اولین مرجع بررسی صلاحیت خود است.^۵ اختیار مرجع داورى در تعیین صلاحیت خود یا در تعیین قابلیت داورى یک موضوع ناشی از طبیعت موافقتنامه داورى بوده و توسط اصل استقلال شرط داورى نیز حمایت می شود. به موجب اصل استقلال شرط داورى، این شرط موافقتنامه ای مستقل است؛ لذا در صورتی که ایرادی نسبت به قرارداد داورى مطرح شود، رسیدگی به اختلاف راجع به آن در صلاحیت مرجع داورى است.

^۱ جنیدی، لعیا، ۱۳۸۷، نقد و بررسی تطبیقی قانون داورى تجارى بین المللی، دانشگاه تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ص ۱۰.

^۲ همان

^۳ Lehman, M, "A Plea for a Transnational Approach to Arbitrability in Arbitral Practice", Columbia Journal of Transnational Law, volum 42, 2004, p 755.

^۴ Competence-Competence.

^۵ Kronke, H & et al, Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards: A Global Commentary on the New York Convention, Netherland, Kluwer Law International, 2010, p 45.

مخالفین استقلال شرط داوری عقیده ندارند که شرط داوری قرارداد تبعیت می است اصلی قرارداد تابع داوری شرط معتقدند بلکه کند. در صورتی که رأی به بطلان داوری صادر شود، این فساد مانند همه قراردادهای به شروط ضمن آن از جمله شرط داوری نیز سرایت می کند. با توجه به اینکه طرفین تصمیم به نوشتن یک متن گرفته اند لذا می بایست از وحدت قرارداد حمایت کرد. وحدت قرارداد اقتضا دارد که آن را به مثابه یک اثر حقوقی واحد تلقی کنیم و بطلان عقد را به منزله بطلان امکان رجوع به داوری بدانیم.^۱ موافقین اصل استقلال شرط داوری به دلیل نیازهای تجاری و مشکلات عملی ناشی از عملی بطلان شرط، بطلان قرارداد اصلی را قابل تسری به شرط داوری نمی دانند. هدف از تشکیل قرارداد یا شرط داوری، امکان رسیدگی مرجع داوری به ادعای بطلان یا فسخ آن است، اما نظریه قرارداد واحد از این امر تبعیت نمی کند؛ لذا بر خلاف شروط دیگر که تابع عقد است، قصد و اراده طرفین اقتضا دارد که مرجع داوری امکان رسیدگی به اعتبار قرارداد اصلی را نیز داشته باشد و در فرض بطلان قرارداد اصلی، شرط داوری را معتبر بدانیم. حقوق کامن لا مبنای اصل مزبور را قصد ضمنی طرفین در ارجاع تمام اختلافات از جمله اعتبار قرارداد اصلی عنوان کرده است.^۲

جایگاه قاعده صلاحیت بر صلاحیت در قوانین داوری

۱- جایگاه قاعده صلاحیت بر صلاحیت در حوزه قوانین داوری تجاری ایران

در حقوق ایران، علی رغم تصویب «قانون داوری تجاری بین المللی ۱۳۷۶» به دلیل تغییراتی که در آن نسبت به قانون نمونه ایجاد شده، قواعدی در زمینه شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی وجود نداشت و امکان اجرای آرای داوری خارجی در ایران از وضعیت مبهمی برخوردار بود. با توجه به این موضوع، الحاق به یکی از کنوانسیون های بین المللی در این زمینه ضروری به نظر می رسید. لذا جمهوری اسلامی ایران، با درک این واقعیت، در سال ۱۳۸۰، به کنوانسیون نیویورک که از سایر کنوانسیون ها مناسب تر به نظر می رسید، ملحق گردید.

الف- جایگاه اصل در حوزه قوانین داوری تجاری داخلی ایران

مقررات داوری داخلی ایران که در قانون آیین دادرسی مدنی آمده است و از شهریور ۱۳۱۸ لازم الاجرا گردید و باب هفتم و هشتم آن اختصاص به داوری دارد. مقررات داوری داخلی ابتدا جهت تنظیم داوری داخلی طرح شده و میان داوری داخلی و بین المللی تفکیکی قائل نشده اند اما در اصل می توانست شامل داوری بین المللی هم باشد هر چند اعمال مقررات آن در زمینه داوری بین المللی خالی از اشکال نیست زیرا اصولی که امروزه زیر بنای داوری تجاری بین المللی می باشد.

عمدتاً در این قانون در نظر گرفته نشده است که از میان این اصول می توان به عدم شناسایی استقلال شرط داوری نسبت به قرارداد اصلی و نیز عدم تصریح به اختیار دیوان داوری برای تعیین صلاحیت خود و تصمیم گیری در مورد اعتبار موافقتنامه داوری.^۳ اثر اساسی یک قرارداد داوری این است که دعوای احتمالی یا موجود را از صلاحیت محاکم خارج می نماید. این همان اثر مستقیم و منفی قرارداد داوری است که امروزه در حقوق داخلی اکثر کشورها در رابطه با داوری های ملی پذیرفته شده است. اما در ماده ۴۵۴ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ که مقرر داشته: «کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوی دارند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاه طرح شده یا نشده باشد و طرح در هر مرحله ای از رسیدگی باشد، به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند». در واقع در مقام تجویز و بیان همین ویژگی منفی داوری بوده و در آن تردیدی نیست منتها باید توجه داشت که رویه قضاوت محاکم بر این است که چنانچه درخواست ارجاع می دهند. ولی چنانچه یکی از طرفین علیرغم وجود شرط داوری در قرارداد موضوع را در دادگاه طرح کرده باشد، به خودی خود از موجبات صدور قرار عدم استماع دعوی در وضعیت فعلی خواهد بود حتی اگر خوانده با استناد به شرط داوری به صلاحیت داور استناد ننماید مگر اینکه خواننده دعوی مطابق بند یک ۴۸۱ قانون مارالذکر از این حق خود صریحاً از طریق تراضی کتبی با طرف دیگر اعراض کرده باشد. بدین ترتیب ملاحظه می شود در داوری های داخلی صلاحیت داوران تقریباً هم سطح و موازی با صلاحیت قضاوت ملی پذیرفته شده است. با توجه قانون آیین دادرسی مدنی و اینکه این قانون در خصوص قاعده صلاحیت بر صلاحیت چه قاعده ای را پذیرفته است در این قانون نص صریحی راجع به این قاعده دیده نمی شود. ممکن است با توجه به ظاهر ماده ۶۳۶ قانون مارالذکر گفته شود که رسیدگی به این امر در صلاحیت مرجع قضایی باشد. لیکن این نظر قابل ایراد است، زیرا چنانچه گفته شد این ماده صلاحیت داور را برای رسیدگی به صلاحیت خود به عنوان یک قاعده کلی نفی می کند و فقط ناظر به مورد خاص است. یعنی موردی که

^۱ مرکز داوری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، «آثار استقلال شرط داوری»، اقتصاد: نامه اتاق بازرگانی، ش ۴۹۵، ۱۳۸۸، ص ۱۴.

^۲ اسکینی، ربیعا، «مبانی نظری اصل استقلال موافقتنامه داوری از قرارداد اصلی در حقوق تطبیقی»، نامه مفید، شماره ۴۳، ۱۳۸۳، ص ۱۵.

^۳ سیفی، جمال، ۱۳۸۳، اهمیت سازمانی داوری در دعاوی تجاری بین المللی، داوری نامه-۱.

قبل از بروز اختلاف در مورد اصل داوری توافق شده ولی داور در قرارداد داوری تعیین نشده و یک طرف از تعیین داور اختصاصی خود امتناع کند و برای تعیین داور به دادگاه مراجعه شود در این صورت طبیعی است که اگر ایرادی راجع به صلاحیت وجود داشته باشد دادگاه باید قبل از تعیین داور راجع به آن اتخاذ تصمیم کند ولی از آن ماده قاعده ای کلی مبنی بر عدم صلاحیت داور جهت رسیدگی به صلاحیت خود که بر خلاف گرایش‌های امروز در داوری‌های داخلی و بین‌المللی است نباید استنباط کرد. در ایران، قانون آیین دادرسی مدنی هیچ گونه مقرراتی در خصوص عدم مداخله دادگاه‌ها در جریان داوری ندارد و قلمرو مداخله دادگاه‌ها در داوری وسیع است.^۱

ب- جایگاه اصل در حوزه قوانین داوری تجاری بین‌المللی ایران

قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران در جلسه شهریور ماه سال ۱۳۷۶ مجلس شورای اسلامی در ۳۶ ماده به تصویب رسید و در مهرماه همان سال نیز به تأیید شورای نگهبان رسید یکی از مآخذ اصلی این قانون، قانون داوری نمونه آنسیتراست. لایحه داوری تجاری بین‌المللی ایران تقریباً از سال ۱۳۷۰ ارائه شده بود و در مورد آن بحث می‌شد. هدف از تصویب قانون آن است که مقررات بهتر و جدیدتری نسبت به داوری موجود در قانون آیین دادرسی مدنی ارائه نماید. در داوری‌های داخلی صلاحیت داوران تقریباً هم سطح و موازی با صلاحیت قضات ملی پذیرفته شده، این سوال پیش می‌آید که آیا این حد از صلاحیت را می‌توان در مورد داوری‌های بین‌المللی نیز در حقوق ایران شناسایی کرد؟ این سوالی است که از دیرباز از رویه قضایی ایران جدا مورد بحث و بررسی بوده است و قضات نوعاً از ترجیح صلاحیت یک مرجع داوری بین‌المللی در صلاحیت محاکم داخلی استنکاف ورزیده‌اند حتی تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران علیرغم گشایش قابل توجه در مسأله صلاحیت کلیه محدودیت‌ها در این رابطه بر طرف نکرده است چه، علاوه بر سایر محدودیت‌هایی که وجود دارد. ماده ۸ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران شرط انتفاء (نفی) صلاحیت محاکم داوری را در فرض وجود شرط داوری را منوط به اعلام و ایراد یکی از طرفین کرده است. به این معنی که در صورت شرکت خوانده در دادرسی و عدم استناد به شرط داوری صلاحیت محکمه کماکان محرز و مسلم خواهد بود. ملاحظه می‌شود که در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران در مورد پذیرش قاعده صلاحیت نسبت به صلاحیت با مقررات بین‌المللی و حقوق تطبیقی هماهنگی دارد. و از حیث وارد کردن این اصل شناخته شده و معتبر که مرجع داوری صلاحیت دارد قلمرو صلاحیت خود را تعیین نماید، در نظام حقوقی ایران گام بزرگی برداشته است ماده ۱۶ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران مقرر می‌دارد که دیوان داوری «می‌تواند در مورد صلاحیت خود و همچنین درباره وجود و یا اعتبار موافقتنامه داوری اتخاذ تصمیم کند».^۲

۲- جایگاه اصل صلاحیت بر صلاحیت در اسناد و مقررات بین‌المللی

الف- جایگاه اصل در قانون دیوان بین‌المللی داوری لندن

اولین و قدیمی‌ترین سازمان داوری که در عرصه داوری به وجود آمده است دیوان داوری بین‌المللی لندن می‌باشد که در سال ۱۸۹۲ تأسیس شده است. وظیفه نصب دیوان‌های داوری، بررسی چالش‌ها در مورد داوران و کنترل هزینه‌ها را بر عهده دارد و تحت نظر مشترک شهرداری، مرکز پولی-مالی لندن، اتاق بازرگانی و نیز انجمن داوران خبره اداره می‌شود. در بند یک ماده ۲۳ بیان می‌دارد که: «دیوان داوری باید قدرت امور صلاحیتی خود را داشته باشد که شامل هرگونه اعتراضی به وجود ابتدایی، وجود مداوم؛ اعتبار یا تأثیر موافقتنامه داوری می‌باشد». همچنین در بند یک ماده ۱۴ قواعدی داوری بین‌المللی لندن مقرر می‌دارد: «هیأت داوری اختیار صدور حکم بر صلاحیت خود از جمله هر نوع اعتراض نسبت به وجود یا اعتبار قرارداد داوری را خواهد داشت».^۳

ب- جایگاه اصل در قانون نمونه آنسیتراست

متن پیش نویس قانون نمونه آنسیتراست توسط کمیسیون تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۵ در ۳۶ ماده و هشت فصل مورد تصویب قرار گرفت. کم نظیر بودن متن قانونی مزبور به واسطه کوله باری از تجربه و تخصص که در خود دارد، موجب تأیید و شناسایی آن به وسیله مجمع عمومی سازمان ملل متحد گردید. مجمع مزبور در قطعنامه ۴۰/۷۲ مورخ ۱۹۸۵ خود به کشورهای جهان توصیه کرد که برای ایجاد وحدت حقوقی در زمین مقررات داوری قانون نمونه را مورد توجه لازم قرار دهند. قانون نمونه آنسیتراست در بند یک ماده ۱۶ این قاعده صلاحیت بر صلاحیت را به رسمیت شناخته و مقرر می‌دارد: «دیوان داوری می‌تواند در مورد صلاحیت خود، همچنین درباره وجود یا اعتبار موافقت نامه داوری اتخاذ تصمیم کند. برای این منظور شرط داوری که به صرت جزئی از قرارداد مقرر شده باشد، به عنوان موافقت نامه داوری مستقل از سایر شرایط قرارداد به شمار می‌رود. تصمیم داور مبنی بر اینکه قرارداد

^۱ صادقی، محسن، ۱۳۸۲، مداخله دادگاه‌ها در داوری تجاری بین‌المللی، تهران، دانش پژوهان، بهار و تابستان، شماره ۳.

^۲ سیفی، جمال، ۱۳۸۳، اهمیت سازمانی داوری در دعاوی تجاری بین‌المللی، داوری نامه-۱.

^۳ معیری، علی، ۱۳۸۳، ماهیت حقوقی شرط داوری در ضمن قراردادهای، مجله مطالعات حقوق بین‌الملل، شماره ۲۱.

داوری باطل و ملغی الاثر است، فی نفسه به معنای عدم اعتبار شرط داوری نخواهد بود. با ملاحظه ماده مشخص می‌شود که در قانون نمونه آنسیترال هم اصل صلاحیت بر صلاحیت و هم استقلال شرط داوری هر دو لحاظ شده است.

همچنین بند دو ماده ۲۱ قواعد داوری آنسیترال استقلال شرط داوری را پیش بینی کرده، مقرر می‌دارد: «دیوان داوری اختیار خواهد داشت نسبت به وجود یا اعتبار قراردادی که شرط داوری بخشی از آن را تشکیل می‌دهد، تصمیم بگیرد. از لحاظ ماده ۲۱، شرط داوری که بخشی از قرارداد را تشکیل می‌دهد و متضمن داوری بر اساس این قواعد آنسیترال است، به عنوان یک توافق مستقل از سایر شرایط قرارداد محسوب خواهد شد. تصمیم دیوان داوری مبنی بر اینکه قرارداد باطل و بی اثر است، بی اعتباری شرط داوری را در پی خواهد داشت». قانون نمونه آنسیترال، اصول مندرج در کنوانسیون نیویورک را هم تا حد امکان پذیرفته است. به موجب ماده ۵ قانون نمونه: «در خصوص کلیه مسایل موجود در این قانون، دادگاه‌ها نمی‌توانند مداخله نمایند، مگر در مواردی که در این قانون پیش بینی شده است». اهمیت موضوع ارتباط میان دادگاه و داوری تا آن جایی است که حتی گزارشگر آنسیترال موفقیت کل طرح را در گروه این موضوع دانسته است.^۱

ج- جایگاه اصل در مقررات دیوان داوری اتاق بازرگانی بین الملل

یکی از سازمان‌های پیشرو در امر داوری دیوان داوری، اتاق بازرگانی بین المللی است که نزدیک به یک قرن در عرصه داوری تأثیرگذار بوده است. این دیوان وابسته به اتاق بازرگانی بین المللی است که به عنوان یک سازمان غیر دولتی در سال ۱۹۱۹ در شهر آتلانتیک تأسیس شد و دفتر مرکزی آن در پاریس قرار دارد. این اتاق مرکب از هزاران شرکت و سازمان تجاری-اقتصادی در بیش از ۱۳۰ کشور جهان است. از اهداف اساسی اتاق تجاری بین المللی ارائه خدمات برای حل و فصل اختلافات تجاری، هماهنگ کردن رویه‌های تجاری، توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری و تشویق اتخاذ درهای باز اقتصادی است. چهار سال بعد از تشکیل اتاق، در سال ۱۹۲۳ دیوان داوری اتاق راه اندازی شد و مقررات داوری آن تنظیم شد. سازماندهی و مقررات داوری اتاق بازرگانی بین المللی برای بسیاری از سازمان‌های داوری الگو بوده و تأثیر زیادی بر شکل‌گیری مقررات داوری سازمانی داشته است.

دیوان داوری خود به هیچ اختلافی رسیدگی نمی‌کند، اختلاف از طریق هیأت داوری رسیدگی می‌شود که زیر نظر دیوان رسیدگی می‌شود. تأیید داوران منتخب طرفین، انتخاب داوران، اتخاذ تصمیم در مورد جرح، نظارت بر فرآیند رسیدگی، بازبینی و تأیید آرای داوری و تعیین حق الزحمه داوران از جمله وظایف دیوان داوری است.^۲

د- جایگاه اصل در قواعد داوری مرکز منطقه‌ای داوری تهران

یکی از سازمان‌های داوری بین المللی است که به موجب موافقتنامه‌ای بین «سازمان حقوقی مشورتی آسیایی-آفریقایی» و دولت جمهوری اسلامی ایران در تهران تشکیل شده است. برای تشکیل مرکز همانند سایر مراکز منطقه‌ای داوری تحت نظر سازمان ابتدا لازم بود که موضوع تأسیس مرکز داوری به تصویب سازمان برسد، که این امر در نشست ۲۶ سازمان در بانکوک در ۱۳۶۶ برابر با ۱۹۸۷ میلادی انجام شد. وظایف مرکز داوری منطقه‌ای تهران در ماده ۱ موافقتنامه تأسیس و به شرح ذیل بیان شده است: الف) ترویج داوری بین المللی در منطقه؛ ب) هماهنگی فعالیت‌ها و مساعدت به مراکز داوری موجود در منطقه؛ ج) مساعدت به داوری‌های موردی به ویژه در مواردی که داوری‌ها طبق قواعد آنسیترال انجام می‌شود؛ د) کمک به اجرای آرای داوری؛ ه) برگزاری داوری تحت نظر مرکز. قواعد داوری مرکز بر اساس مقررات داوری آنسیترال تنظیم شد. از آنجا که مقررات داوری آنسیترال بیشتر ناظر به داوری موردی است، تغییراتی در مقررات مزبور اعمال شده تا با داوری سازمانی سازگار شود. البته در تنظیم آن، قانون داوری تجاری بین المللی نیز مد نظر قرار گرفته است.

با وجود منطقه‌ای بودن این سازمان یک سازمان داوری بین المللی تلقی می‌شود که صلاحیت آن به منطقه آسیا و آفریقا محدود نیست و کلیه اشخاص در سراسر جهان می‌توانند با توافق اختلافات خود را به مرکز مزبور ارجاع نمایند. همچنین مرکز به اختلافات داخلی ارجاعی و نیز اختلافات غیر تجاری رسیدگی می‌کند.

اصل صلاحیت بر صلاحیت در قواعد داوری مرکز منطقه‌ای داوری تهران به رسمیت شناخته شده به طوری که در ماده ۱۸-۱ قواعد مرکز چنین آمده است: «دیوان داوری اختیار دارد در مورد ایراد وارده به صلاحیت خود از جمله هرگونه ایراد مربوط به خود وجود یا اعتبار شرط داوری یا موافقتنامه جداگانه داوری تصمیم‌گیری کند. از لحاظ این ماده شرط داوری که بخشی از قرارداد را تشکیل داده و داوری بر طبق قواعد حاضر تشکیل داده موافقتنامه‌ای مستقل از سایر شروط قرارداد محسوب می‌شود و تصمیم دیوان داوری مبنی بر کان لم یکن بودن قرارداد مزبور قانوناً مستلزم بی اعتباری شرط داوری نیست».^۳

^۱ صادقی، محسن، ۱۳۸۲، مداخله دادگاه‌ها در داوری تجاری بین المللی، تهران، دانش پژوهان، بهار و تابستان، شماره ۳.

^۲ شیروی، عبدالحسین، (۱۳۹۱)، داوری تجاری بین المللی، تهران، انتشارات سمت.

^۳ شیروی، همان.

ه- قواعد داوری مرکز داوری اتاق ایران

یکی از سازمان‌های داوری داخلی است که وابسته به اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران ایجاد شده است. و یکی از وظایف این اتاق «تلاش در جهت بررسی و حکمت در مورد مسائل بازرگانی داخلی و خارجی اعضا و سایر متقاضیان از طریق تشکیل مرکز داوری اتاق ایران طبق اساسنامه‌ای که توسط دستگاه قضایی تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید» می‌باشد. به موجب ماده ۲ اساسنامه مرکز داوری اتاق ایران صلاحیت دارد که نسبت به حل و فصل اختلافات بازرگانی اعم از داخلی و خارجی از طریق داوری اقدام نماید. این اختلافات باید ماهیت بازرگانی داشته باشد. بنابراین، کلیه اشخاص داخلی و خارجی می‌توانند اختلافات بازرگانی خود را در مرکز یاد شده ارجاع نمایند، اعم از اینکه عضو اتاق بازرگانی باشند یا نه.^۱

بررسی جامع اصل صلاحیت بر صلاحیت در حقوق ایران

همسو با تحولات جهانی نسبت به اصل صلاحیت بر صلاحیت، در ایران نیز مباحث بسیاری راجع به آن وجود دارد. این مباحث از احکام مختلف قانون آیین دادرسی مدنی و قانون داوری تجاری بین المللی ناشی می‌شود. در خصوص صلاحیت داوران نسبت به اعلام صلاحیت خویش قانون داوری تجاری بین المللی ضمن پذیرش آن، در ماده ۱ بند ۱۶ قانون مزبور مقرر کرده که «داور می‌تواند در مورد صلاحیت خود و همچنین درباره وجود و یا اعتبار موافقتنامه داوری اتخاذ تصمیم کند». ماده ۸ این قانون نیز با عنوان «موافقتنامه داوری و دعوای مطروحه نزد دادگاه» طرح دعوا در دادگاه را مانع شروع و یا ادامه جریان رسیدگی داوری و صدور رأی داوری نمی‌داند. همچنین احکام مقرر در مواد دیگر از جمله بند ماده ۳ ماده ۱۳ و بند ۳ ماده ۱۶ این قانون دلالت بر استقلال داور در رسیدگی دارد.

سابقاً در ماده ۶۳۶ قانون آیین دادرسی قدیم، قانونگذار ضمن پذیرش امکان توافق به داوری پیش از منازعه، حل اختلاف راجع به اصل معامله یا قرارداد داوری را در صلاحیت دادگاه دانسته بود. پس از تصویب قانون جدید در سال ۱۳۷۹، قانونگذار مجدداً به موجب ماده ۴۶۱ بر حکم سابق تأکید کرد. به موجب این ماده «هرگاه نسبت به اصل معامله یا قرارداد راجع به داوری بین طرفین اختلافی باشد، دادگاه ابتدا به آن رسیدگی و اظهار نظر می‌نماید». همچنین قانونگذار در بند ۷ ماده ۴۸۹ قانون مزبور که راجع به اسباب بطلان رأی داور است مقرر می‌دارد: «قرارداد رجوع به داوری بی اعتبار بوده باشد». مواد مزبور در کنار تحلیل حکم مقرر در قواعد عمومی قراردادهای منجر به این نتیجه می‌شود که بطلان قرارداد اصلی بر شرط داوری نیز مؤثر است و آن را از اعتبار ساقط می‌کند. برخی حقوقدانان ضمن تأیید وابستگی شرط داوری با عقد اصلی و سرایت فساد عقد اصلی به شرط، این ظاهر را تأیید کرده‌اند.^۲ اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۶۰۳۱-۱۳۷۵/۹/۲۴ ضمن استناد به این ماده، قائل به عدم وجود اصل استقلال شرط داوری در حقوق داخلی شده است. برخی حقوقدانان ضمن توجه به آثار و منافع عملی اصل استقلال شرط داوری، اعتبار شرط داوری پس از بطلان یا بی اعتباری قرارداد اصلی را امری ضروری دانسته‌اند. لذا ضمن نفی تعارض ماده ۴۶۱ قانون مزبور با اصل استقلال شرط داوری، این ماده را ناظر به جایی می‌دانند که موضوع دیگر نیز در کنار آن طرح و رسیدگی دادگاه، تبعی باشد.^۳ استعمال واژه «اظهارنظر» به جای رأی و توجه به واژه «ابتدا» مؤید آنست که «قامه دعوا یا حتی مراجعه مستقل به دادگاه برای اظهارنظر نسبت به موافقت نامه داوری مورد پیدا نمی‌نماید».^۴ برخی نیز ضمن تعیین اراده مفروض طرفین و نیازهای عملی به عنوان مبانی پذیرش اصل استقلال شرط داوری، از تمایز قانونگذار در داوری داخلی و بین المللی انتقاد کرده و پیشنهاد اصلاح قانون در این خصوص را داده‌اند. در تحلیل ماده مزبور و انطباق آن با اصل استقلال شرط داوری برخی نویسندگان ضمن رد ارتباط ماده مزبور به بحث استقلال شرط داوری عنوان نموده‌اند «مفاد ماده ۶۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی صرفاً ناظر بر این است که هرگاه به صلاحیت داور (اعم از داور منفرد یا مرجع داوری) اعتراض شود، آن داور نمی‌تواند به صلاحیت خود رسیدگی کند و ماده مذکور به هیچ وجه ناظر به استقلال موافقتنامه داوری از قرارداد اصلی نیست».^۵

همانطور که ذکر شد اصل استقلال شرط داوری و اصل صلاحیت نسبت به صلاحیت به رغم ارتباط، دو امر متمایز هستند. اصل استقلال شرط داوری به این امر اشاره دارد که به رغم فساد قرارداد اصلی، شرط داوری معتبر بوده و داور صلاحیت اتخاذ تصمیم نسبت به قرارداد را دارد. اصل صلاحیت بر صلاحیت به داور اختیار می‌دهد تا نسبت به صلاحیت خود از جمله شمول موضوع اختلاف در قرارداد داوری و یا داوری پذیری یک موضوع اتخاذ تصمیم کند. در صورتی که اصل استقلال شرط داوری را بپذیریم، این امر میسر است تا در مورد اعطای صلاحیت به داور جهت تعییت صلاحیت خود نیز بحث کنیم. اگر پیش از ارجاع امر به داوری بررسی اعتبار قرارداد اصلی را به دادگاه واگذار

^۱ شیروی، همان.

^۲ کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادهای، جلد سوم، چاپ دوم، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶، ص ۱۴۱.

^۳ شمس، عبدالله، «موافقتنامه داوری و صلاحیت دادگاه»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۷، ۱۳۸۲، ص ۳۱.

^۴ شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج سوم، چاپ هشتم، انتشارات دراک، ۱۳۸۶، ص ۵۵۳.

^۵ جعفریان، منصور، «دو پژوهش حقوقی: تأملاتی بر لایحه داوری تجاری بین المللی»، مجلس و راهبرد، ۱۳۷۳، ص ۱۳۳.

کنیم، ارجاع اختلاف حاصل از قرارداد باطل به داوری، امری لغو و بی ثمر بوده که با مبانی ایجاد نهاد داوری در تعارض است. به هرحال طرفین می‌توانند در قرارداد داوری، ارجاع اختلاف ناشی از بطلان قرارداد اصلی را نیز به داوری ارجاع کنند؛ لذا این امر تابع قصد طرفین است و طرفین می‌توانند بر مبنای الزامات عملی شرط مزبور را مستقل از قرارداد اصلی بدانند. محل اختلاف زمانی است که احراز قصد طرفین دشوار است و می‌بایست سکوت طرفین را تفسیر کرد. با توجه به اینکه در حال حاضر عرف مسلم جامعه حقوقی ایران دلالت بر استقلال شرط داوری دارد؛ لذا همانطور که برخی ادعا کرده‌اند، صرفاً زمانی می‌توان از ظاهر ماده ۴۶۱ قانون مذکور رهایی یافت که به شرط ضمنی طرفین حاصل از اطمینان عرفی به استقلال شرط داوری استناد کرد.^۱

از دیدگاهی دیگر می‌توان قائل بر آن بود که ماده ۴۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی ارتباطی به قاعده صلاحیت بر صلاحیت ندارد. این نتیجه از تبیین تأثیر ممنوعیت ارجاع برخی از موضوعات بر قرارداد داوری حاصل می‌شود. بررسی برخی قوانین ملی و بین‌المللی مؤید آنست که داوری پذیری از شروط اعتبار قرارداد تفکیک شده است و صرفاً امری مرتبط به صلاحیت محسوب می‌شود. به عنوان مثال در حالی که ماده ۵(۱) الف) کنوانسیون نیویورک به اعتبار قرارداد داوری اختصاص یافته در مقابل عدم قابلیت ارجاع موضوع به داوری به عنوان مبنایی مستقل در اجرای رأی در ماده ۵(۲) الف) قید شده است. از سوی دیگر قرارداد داوری به عنوان قراردادی خاص دارای دو ویژگی قراردادی و قضایی است. قرارداد داوری نه تنها دارای مفهوم و محتوای قراردادی است، بلکه به دلیل تعیین مرجع صالح جهت حل اختلافات و ارجاع دعاوی به آن، دارای ماهیت قضایی و مرتبط با صلاحیت است. ویژگی دوگانه آن برخی حقوقدانان را بر آن داشته تا در این خصوص تمرکز کنند و عنوان مقالات خود را به «ماهیت استثنایی قرارداد داوری» اختصاص دهند.^۲

از جنبه قراردادی، شرط ضمن عقد یا قرارداد داوری از قواعد عمومی قراردادها تبعیت می‌کند. به عنوان مثال در فرض اهلیت طرفین قرارداد، توافقنامه داوری بی اعتبار و باطل است. به نظر می‌رسد شرط لزوم قابلیت داوری موضوع، از بدیهیات حقوق قراردادی است. نمی‌توان توافق راجع به موضوعی را که قابلیت داوری ندارد صحیح دانسته و برای آن اعتبار حقوقی قائل شد. به موجب دیدگاه رایج، عدم قابلیت داوری موضوع قرارداد منجر به عدم اعتبار توافقنامه داوری می‌شود.^۳

این نظر مبتنی بر آنست که داوری پذیری و ممنوعیت ارجاع دعاوی به داوری از شروط اعتبار قرارداد تلقی شده و نهایتاً منجر به عدم اعتبار آن شود. از سوی دیگر نمی‌توان به استناد ماده ۴۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی، داور را از اظهارنظر نسبت به صلاحیت خود منع و داوری را منوط به اظهارنظر دادگاه کرد. در مرحله پیش از صدور رأی، مرجع قضایی صرفاً می‌تواند شروط لازم جهت اعتبار اصل قرارداد داوری را بررسی کند. پس از صدور رأی طرفین می‌توانند ابطال رأی صادره را به دلیل خروج موضوعی اختلاف یا عدم قابلیت داوری از دادگاه تقاضا کنند؛ لذا دادگاه زمانی می‌تواند در جایگاه اظهارنظر نسبت به داوری پذیری موضوع قرار گیرد که این امر به عنوان اقدامی تبعی از دادگاه درخواست شده باشد. بر این اساس اصولاً داور می‌تواند نسبت به صلاحیت خود تصمیم گرفته و در نتیجه داوری کند، مگر آنکه پیش از آن پرونده جهت رسیدگی به اصل موافقتنامه داوری، به دادگاه ارجاع شده باشد؛ لذا همانطور که برخی حقوقدانان تلویحاً اشاره کرده‌اند در صورتی که راجع به «اصل» قرارداد داوری اختلافی نباشد، می‌بایست داور را در تعیین محدوده مأموریت خود صالح دانست.^۴

^۱ خدابخشی، عبدالله، حقوق داوری و دعاوی مربوط به آن در رویه قضایی، چاپ سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۳، ص ۲۹۶-۲۹۷.

^۲ Born, G, International Commercial Arbitration, Kluwer Law International, 2009, p 361.

^۳ قاسمی، ولی، «بررسی تطبیقی قاعده صلاحیت بر صلاحیت در حقوق داوری تجاری بین‌المللی ایران و انگلیس»، مطالعات حقوق، شماره ۵، ۱۳۹۵، ص ۵.

^۴ همان.

نتیجه‌گیری

اصل استقلال شرط داوری به داوران صلاحیت اظهارنظر راجع به این موضوع و همچنین موضوعات قابل داوری، اعطا می‌کند. اصل «صلاحیت بر صلاحیت» که با اصل استقلال شرط داوری حمایت می‌شود به مرجع داوری اختیار می‌دهد تا نسبت به ایراد به صلاحیت داور ناشی از اعتبار و قلمرو موافقتنامه داوری اظهارنظر کند.

در حقوق ایران ماده ۱ بند ۱۶ قانون داوری تجاری بین المللی ایران ضمن پذیرش اصل استقلال شرط داوری مقرر داشته که داور می‌تواند در مورد صلاحیت خود و همچنین درباره وجود و یا اعتبار موافقتنامه داوری اتخاذ تصمیم کند. در داوری داخلی ماده ۴۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی رفع اختلاف راجع به اصل معامله یا قرارداد راجع به داوری را در صلاحیت دادگاه دانسته است. در خصوص امکان استناد به ظاهر ماده مزبور اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند ماده مزبور صرفاً اظهارنظر نسبت به اصل «معامله» یا «قرارداد راجع به داوری» را در صلاحیت دادگاه دانسته حال آنکه ایراد به صلاحیت داور و داوری پذیری، موضوع ایراد به اصل قرارداد داوری محسوب نمی‌شود. گرچه اجماع حقوقدانان داخلی مؤید امکان اظهارنظر داوران نسبت به صلاحیت خود است، اما در این خصوص راه حلی جامع در رد ظاهر ماده ۴۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی ارائه نشده است. توجه به ظاهر ماده مزبور مؤید آنست که در فرض عدم وجود توافق صریح یا ضمنی، نمی‌توان قائل به صلاحیت داور در تعیین صلاحیت خود شد. این وجود تحلیل فروض مختلف ارجاع پرونده به مرجع قضایی مؤید آنست که در مرحله پیش از صدور رأی داوری، مرجع قضایی اختیار اظهارنظر راجع به اعتبار اصل قرارداد داوری را ندارد، مگر آنکه این امر به تبعیت از موضوعی دیگر از دادگاه درخواست شده باشد. پس از صدور رأی، طرفین می‌توانند ابطال رأی صادره را به دلیل خروج موضوعی اختلاف یا عدم قابلیت داوری از دادگاه تقاضا کنند؛ لذا در صورتی که راجع به اصل قرارداد راجع به داوری اختلافی نباشد، می‌بایست داور را در تعیین محدوده مأموریت خود صالح دانست. همچنین در راستای ترک ظاهر ماده مذکور در فرض اختلاف، می‌توان امکان اظهارنظر داور نسبت به صلاحیت خویش را مبتنی بر قصد ضمنی طرفین مورد تأیید قرار داد. با این وجود تشتت آراء در این خصوص و لزوم ایجاد رویه واحد مستلزم اصلاح قانون همسو با قانون داوری تجاری بین المللی یا ورود رویه قضایی در تفسیر ماده قانون آیین ۴۶۱ دادرسی مدنی و ذکر مصادیق آن است.

منابع

- اسکینی، ربیعا، «مبانی نظری اصل استقلال موافقتنامه داوری از قرارداد اصلی در حقوق تطبیقی»، نامه مفید، شماره ۴۳، ۱۳۸۳.
- جعفریان، منصور، «دو پژوهش حقوق: تأملاتی بر لایحه داوری تجاری بین المللی»، «مجلس و راهبرد»، ۱۳۷۳.
- جنیدی، لعلیا و غیاثوند قزوینی، نسترن، داوری پذیری در نظام حقوقی ایران با تأکید بر رویه قضایی، حقوق تطبیقی، ش ۱۰۸، ۱۳۹۶.
- جنیدی، لعلیا، ۱۳۸۷، نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین المللی، دانشگاه تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- حبیبی مجنده، محمد، داوری پذیری اختلافات ناشی از حقوق مالکیت معنوی، مجموعه مقالات همایش صدمین سال تأسیس نهاد داوری در حقوق ایران، چاپ اول، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۰.
- خدابخشی، عبدالله، حقوق داوری و دعاوی مربوط به آن در رویه قضایی، چاپ سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۳.
- ریبسی، مریم و ساعدی، بهزاد، «استقلال شرط داوری در قراردادهای تجاری بین المللی»، تحقیقات حقوقی آزاد، ش ۱۹، ۱۳۹۲.
- سیفی، جمال، ۱۳۸۳، اهمیت سازمانی داوری در دعاوی تجاری بین المللی، داوری نامه-۱.
- شمس، عبدالله، «موافقتنامه داوری و صلاحیت دادگاه»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۷، ۱۳۸۲.
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج سوم، چاپ هشتم، انتشارات دراک، ۱۳۸۶.
- شهبازی نیا، مرتضی، بازگیر، سعید، «نظم عمومی و نقش آن بر امور شکلی داوری»، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۲۳، ۱۳۹۴.
- شهبازی نیا، مرتضی، داوری و انصاف، مجموعه مقالات همایش صدمین سال تأسیس نهاد داوری در حقوق ایران، چاپ اول، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۰.
- شیروی، عبدالحسین، (۱۳۹۱)، داوری تجاری بین المللی، تهران، انتشارات سمت.
- صادقی، محسن، ۱۳۸۲، مداخله دادگاه‌ها در داوری تجاری بین المللی، تهران، دانش پژوهان، بهار و تابستان، شماره ۳.
- قاسمی، ولی، «بررسی تطبیقی قاعده صلاحیت بر صلاحیت در حقوق داوری تجاری بین المللی ایران و انگلیس»، مطالعات حقوق، شماره ۵، ۱۳۹۵.
- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادهای، جلد سوم، چاپ دوم، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶.
- مرکز داوری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، «آثار استقلال شرط داوری»، اقتصاد: نامه اتاق بازرگانی، ش ۴۹۵، ۱۳۸۸.
- معیری، علی، ۱۳۸۳، ماهیت حقوقی شرط داوری در ضمن قراردادهای، مجله مطالعات حقوق بین الملل، شماره ۲۱.
- Born, G, International Commercial Arbitration, Kluwer Law International, 2009.
- Carter, J & Fellas, j, International Commercial Arbitration in New York, Oxford University Press, 2010.
- Fraimane, N, Arbitrability: problemotic Issues of The Legal Term, Masrers Thesis, Riga Graduate School of Law, 2012.
- Frommel, S. Rider.B et al, Conflicting Legal Cultures in Commercial Arbitration. Old Issues and New Trends, Netherland, Kluwer Law International, 1999.
- Gaillard, E & Savage, J, Fouchard, Gaillard, Goldman on International Commercial Arbitration, Netherlands, Kluwer Law International, 1999.
- Graves, J & Davydan, Y, "Competence-Competence and Separability American Style", published as Chapter 8 in Kroll, International Arbitration and International Commercial Law: Synergy, Convergence and Evolution Chapter, Kluwer Law International, 2011.
- Jones, D, Insolvency and Arbitration: an Arbitral Tribunals Perspective, 78 Arb. (Arbitration) 2, 2012.
- Kawaru, A, Arbitral Jurisdiction, New Zealand Universities Law Review, Vol. 23, 2008
- Kawaru, A, Arbitral Jurisdiction, New Zealand Universities Law Review, Vol. 23, 2008 30. Lehman, M, "A Plea for a Transnational Approach to Arbitrability in Arbitral Practice", Columbia Journal of Transnational Law, volum 42, 2004
- Kronke, H & et al, Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards: A Global Commentary on the New York Convention, Netherland, Kluwer Law International, 2010
- Lehman, M, "A Plea for a Transnational Approach to Arbitrability in Arbitral Practice", Columbia Journal of Transnational Law, volum 42, 2004.
- Mistel, L & Lew, J, Pervasive Problems in International Arbitration, Netherlands, Kluwer Law International, 2006. 2.
- Park, W, The Arbitrators Jurisdiction to Determine Jurisdiction, Montreal, 13 ICCA Congress Series 55, 2006
- Reisberg, S, The Rules Governing Who Decides Jurisdictional Issues: First Options v. Kaplan Revisited, vol 20, the American Review on International Arbitration, 159, 2009.